

# شرق

## روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۰ • ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ • ۲۰ ژانویه ۲۰۲۲  
سال نوزدهم • شماره ۴۲۰۰ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۱۷:۳۹  
اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۷:۱۱

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌رو

پارک ملی نایبند به عنوان اولین پارک ملی دریایی کشور شناخته می‌شود و از مقاصد گردشگری استان بوشهر است. عکس: مهرداد صفرپور، مهر



### خبر

**گرفتاری میهمانی دوران قرنطینه برای جانسون**  
نخست‌وزیر انگلیس دروغ‌گفتن به پارلمان درباره برگزاری مراسم میهمانی به دلیل تدابیر محدودیتی کرونا هشدار نداده بود. وی در پاسخ به این سؤال که آیا به مردم و پارلمان دروغ گفته است، گفت: «خیر» و از پاسخ‌دادن به چندین سؤال در مورد اینکه اگر ثابت شود که پارلمان را گمراه کرده است، استعفا خواهد داد یا خیر، طفره رفت. «دومینیک راب» معاون نخست‌وزیر درباره برگزاری مراسم میهمانی در دوران قرنطینه جانسون به او پاسخ داد. وی گفت: «بیهوده» است. راب در پاسخ به این سؤال که آیا اثبات دروغ‌گویی جانسون می‌تواند به حیات سیاسی او پایان دهد یا خیر، تصریح کرد: جانسون به روشنی به مجلس عوام پاسخ داد. در جلسات بعدی، راب اعتراف کرد که در اصل، اگر ثابت شود نخست‌وزیر به پارلمان دروغ گفته است، به منزله استعفا می‌باشد.



**ولادت حضرت فاطمه(س)، روز زن و روز مادر گرامی باد.**  
**مادرم؛ دستهای پر مهرت، نویدبخش جاری بودن زندگیست...**

### تماشاگر - ۱۵

#### جهان معلق ترانزیت



**رضا صدیق**  
در اتاق سیگار ترانزیت، طولانی‌ها را می‌توانی شناسایی کنی. تازه به ترانزیت رسیده بودم، هفت ساعتی معطل بودم. از در وارد شد، سری چرخاند، چند نفری تروی اتاق سیگار بودند، دم‌دست‌ترین من نبودم؛ اما رو کرد و گفت: دو یو هولایترا؟ چیزی نگفتم، بلند شدم و زیر سیگاری که به گوشه لب داشت فندک کشیدم. کام اول را گرفتم و در حین سر به پایین تکان دادن تشکر کرد. من هم با فرم صورت پاسخ دادم. چهره‌اش شبیه لارا فابین بود. وقتی به محل وسایلم بازگشتم دیدم چند صندلی آن‌ور از من نشسته و کتابی زهواردررفته می‌خواند. گمانم که تولستوی بود. توی اینترنت فابین را سرچ کردم، آی‌پدم را آوردم و آماده بخش کردم. بلند شدم و سمتش رفتم. گفتم لارا فابین را می‌شناسی، سرش را با لبخند بلند کرد و با تعجب گفت نه کیست؟ گفتم یک خواننده زن فرانسوی، شبیه توست. بعد صفحه آی‌پدم را سمتش چرخاندم و پلی کردم. یادم نیست چقدر اما لحظاتی به صفحه و فابین خیره شده بودم، من ایستاده جلویش و حالت صورت و واکنش‌هایش را نگاه می‌کردم. همین فقط می‌خواستم همین را بگویم و دیگر بعدش هیچ جمله‌ای نداشتم. پرسید تو موسیقی می‌خوانی؟ گفتم نه و به کتابش اشاره کردم و گفتم می‌نویسم. تولستوی بود؟ کتابش را داد تا ورق بزنم. خندید و گفت البته باید ورق‌ورق بزنی نه ورق. بعد درباره کتاب‌خواندن حرف زد. نه بلند که بگویی زمانی زیاد و نه کوتاه که بگویی وقتی اندک که زمانی متعادل را گپ زدیم. سیگاری کشیدیم و بعد هرکدام به غارمان در ترانزیت بازگشتم. وقتی پروازش اعلام شد از دور دست تکان داد و دوان‌دوان رفت؛ ولی چند تکه از کتابش وقت با عجله رفتن روی صندلی ریخته بود. مقصدش لندن نبود. تکه‌کتاب‌ها را برداشتم و به سمت گیت لندن رفتم. توی صف نزدیک تحویل کارت پرواز دیدمش، اسمش را نپرسیده بودم و او هم نپرسیده بود. دست تکان دادم و بالاخره دیدم نزدیک رفتم. تکه‌کتاب‌هایش را سمتش دراز کردم، هر دو لبخند زدیم. بدون حرفی، من بازگشتم و او نیز رفت. چند ساعت بعدش من نیز رفتم. چه کسی می‌داند چند غریبه و رهگذر دیگر در حال گذر میان مبدأ و مقصد‌های‌شان چنین لحظاتی را با یکدیگر تجربه می‌کنند؟

ترانزیت، محل دوستی‌های عمیق در لحظه و به‌سرعت نیست‌شده است. دوستی‌هایی که در آن هیچ معیاری از هویت یا طبقه اجتماعی بر آن حکمفرما نیست. داشتم از مالزی می‌گفتم؟ در میانه مرور قصه‌های سفر، گاه در لحظاتی از تجربیات گذشته غور می‌کنم و سررشته کلام خود به سوی دلخواه می‌رود. مگر می‌شود در از سفر و دیارها گفتن، از دیار میان‌دیساری ترانزیت چیزی نگفت؟ تا این را نکویی، به مقصد مالزی شاید نرسی.

### اتفاق

#### اعتراض آتش‌نشان‌ها؛ یک روز مانده به سالگرد پلاسکو



این روزها تجمعات اعتراضی صنفی در نقاط مختلف ایران در حال برگزاری است؛ یک روز معلم‌ها و روز دیگر بازنشسته‌ها و روزی دیگر کارکنان شهرداری. در جدیدترین اعتراض صنفی، روز گذشته و درست یک روز مانده به سالگرد حادثه دردناک پلاسکو، آتش‌نشان‌ها دست به تجمع اعتراضی زدند و مقابل شورای شهر گرد هم آمدند. در این تجمع مسالمت‌آمیز بیش از صد نفر از آتش‌نشانان و برخی به همراه خانواده‌هایشان حضور داشتند و مطالباتشان را مطرح کردند. آتش‌نشانان اهم مشکلات خود را از جمله پیگیری درخصوص مشاغل سخت و زیان‌آور از مجلس شورای اسلامی، تأمین مسکن مناسب برای آتش‌نشانان تهران، افزایش و ترمیم حقوق، بررسی ارتقای یست پرسنلی و... را عنوان کردند. در این تجمع آتش‌نشان‌های تهرانی بن‌هایی را به همراه داشتند که درخصوص تبعیض، سوه‌مدیریت، نگاه استثماری و... نیز بود. آتش‌نشانان نیز «سختی ما حق مسلم ما»، «معیشت مناسب حق مسلم ماست»، «خسته‌ایم از وعده و دروغ نه از آتش و دود» و... بود. در این میان نیز سوده نجفی، یکی از اعضای شورای شهر تهران در میان تجمع‌کنندگان حاضر شد و بعضی از مطالبات آتش‌نشانان را شنید.

### یادداشت

#### پایان پاندمی یعنی چه؟



**سامان توکل‌ی**  
**روان‌پزشک**  
زندگی بعد از پاندمی چگونه خواهد بود؟ «زندگی نوبه‌نجار» چه شکلی است؟ آیا آن را می‌پسندیم و آماده آن هستیم؟ اینها سؤال‌هایی است که دو سال بعد از همه‌گیری کرونا ذهن‌ها را به خود مشول کرده است. آیا با آرزویی نوستالژیک، تصور می‌کنید روزی فرا خواهد رسید که زندگی‌مان به روزهای پیش از بروز پاندمی کووید-۱۹ بازمی‌گردد؟ آیا منتظرید دوباره «زندگی بهنجار» پیشین را آغاز کنید؟ آیا تصور می‌کنید پایان پاندمی صرفاً یک اتفاق بیولوژیک و پزشکی است و با یافتن واکسنی برای پیشگیری از ابتلا به آن، ویروس و مرگ‌ومیر آن گریبان‌مان را رها خواهد کرد تا به زندگی شناخته‌شده پیشین برگردیم؟ یا باید بیاموزیم در کنار آن زندگی کنیم؛ زندگی «نوبه‌نجاری» که دیگر هیچ‌وقت «زندگی بهنجار پیشین» نخواهد بود؟ همان‌طور که خود پاندمی صرفاً یک پدیده زیست‌شناختی و پزشکی نبود و کل نظام حیات فردی و اجتماعی ما را زیر ویز کرد، پایان آن هم صرفاً یک اتفاق بیولوژیک و پزشکی نخواهد بود. اغلب صاحب‌نظران معتقدند کروناویروس، مثل خیلی از بیماری‌های رایج دیگر، همراه بعد از این ما خواهد بود. به لطف دانشمندانی که واکسن‌های کرونا را ساختند و آنان که درمان آن را خواهند

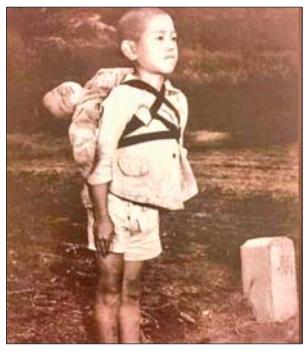
### روزها

#### تصویری گویا



**غلامرضا امامی**  
در هنگامه جنگ در زاین، این کودک، برادر مرده‌اش را بر پیشش حمل می‌کرد تا او را به خاک سپارد. سربازی او را می‌بیند و از او می‌خواهد این کودک مرده سنگین را به زمین افکند تا خسته نشود. کودک پاسخ داد:  
- او سنگین نیست... برادر من است!!!  
سرباز با این سخن سخت گریست.  
از آن هنگام این تصویر به نماد اتحاد و همبستگی در زاین تبدیل شده است.  
در نبرد و جنگ، جنگ زندگی، فقر و فساد، ستم و بی‌داد سروده قیصر امین‌پور را زمزمه کنیم:  
به امید پیروزی واقعی  
نه در جنگ  
که بر جنگ

اگر کودکی در بی‌نایان برای رزق و روزی در زباله‌ها می‌گشت، اگر پدری نیازمند و همسایه‌ای آبرومند سفره‌اش خالی بود، اگر مادری در بی‌داری نایاب و گرانها در داروخانه‌ها سرگردان بود، اگر بی‌گناهی در زندان بود... و اگر... و اگر...  
ایتالیایی‌ها ضرب‌المثلی دارند. می‌گویند:  
یک دست، دست دیگر را می‌شوید و دو دست صورت را.  
کاش شعار ما ایرانیان این بود:  
- او سنگین نیست. او برادر من است. او خواهر من است.



### همسایه‌ها

#### سازمان ملل:

#### رهبران طالبان در حال نهادینه کردن تبعیض جنسیتی در افغانستان هستند

سازمان ملل متحد می‌گوید رهبران طالبان در حال نهادینه‌کردن تبعیض و خشونت مبتنی بر جنسیت در مقیاس وسیع و سازمان‌یافته علیه زنان و دختران در افغانستان هستند. گزارشگران حقوق بشر این سازمان گفته‌اند نگران تلاش‌های مستمر برای حذف زنان از عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سراسر کشور هستند. آنها می‌گویند این نگرانی‌ها در مورد آسیب‌پذیری زنان، اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی و سایر طبقات که ظاهر متفاوت دارند، بیشتر شده است. این گزارشگران در بیانیه‌ای گفتند که از آگوست ۲۰۲۱ میلادی، زمان تسلط طالبان بر افغانستان، یک رشته سیاست‌های محدودکننده، به‌ویژه در قبال زنان و دختران اعلام شده که «به‌طور کلی، این سیاست‌ها که مبتنی بر تعصبات جنسیتی و زنان بار است، به مجازات دسته‌جمعی زنان و دختران پرداخته است». سازمان ملل می‌گوید طالبان در تلاش برای راندن زنان و دختران از عرصه عمومی هستند. در گزارش جدید آمده: «ما شاهد تلاش‌های مستمر و سیستماتیک برای حذف زنان از عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سراسر کشور هستیم». این در حالی است که گروه‌هایی از زنان در کابل و بعضی شهرهای دیگر بارها به محدودیت‌های زنان از طرف طالبان اعتراض کرده‌اند و خواستار حقوق کار و تحصیل شده‌اند. روز یکشنبه، معترضان زن گفتند که طالبان برای متفرق کردن آنها از اسپری فلفل استفاده کرده‌اند. در بیانیه سازمان ملل گفته شده که این روند، خطر سوه‌استفاده از زنان و دختران از جمله ازدواج اجباری قبل از سن قانونی، سوه‌استفاده جنسی و کار